

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com



الله محمد علي
احمد رضا خان
الامام محمد باقر
عليه السلام
لا اله الا الله
محمد بن عبد الله
صلى الله عليه وسلم
وآله الطيبين الطاهرين
الذين اصطفى الله
لنبيه واصحابه
الطاهرين
عليهم السلام
والصالحين
الذين هم
الاصفياء
والعصاة
والقريبين
الى الله
والذين هم
الاصفياء
والعصاة
والقريبين
الى الله

اصول و مبانی آموزش و پرورش

رشته : علوم تربیتی

تعداد واحد : ۳

مؤلف :

دکتر علی تقی پور ظهیر

انتشارات دانشگاه پیام نور

تهیه کننده : فریده بیک زاده – عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور
مرکز گنبد کاووسی

جایگاه کلی درس :

پس از مطالعه این درس ، دانشجویان با مبانی نظری و فلسفی آموزش و پرورش آشنا می شوند . برای این اهداف به تحلیل آموزش و پرورش به عنوان فرآیندی که موجبات رشد و معرفت و فهم در انسانها را فراهم می آورد و دیگر مفاهیم و عوامل اساسی مربوط به آموزش و پرورش پرداخته شده است .

فصل اول

آموزش و پرورش (مفاهیم و تعریف)

هدفهای کلی فصل اول :

انواع دلایل و توجیحات معلمان به حرفه معلمي ، مفهوم آموزش و پرورش و تعاریف آن است .

هدفهای رفتاری فصل اول :

۱- دلایل درونی و بیرونی برای ورود به حرفه معلمی

۲- مفهوم آموزش و پرورش

۳- تفاوت‌های اعم و خاص آموزش و پرورش

۴- تعاریف دستوری ، توصیفی و برنامه ریزی آموزش و پرورش

دلایل انتخاب شغل معلمی :

۱- بیرونی :

با طبیعت درس ارتباطی ندارد و یا بطور اتفاقی با آن ارتباط پیدا کرده
است

۲- درونی :

هنگامی که مشخصاً شغل معلمی را به خاطر علاقه و لذت از شغل
انتخاب می کند . پاداش مادی و معنوی


مفهوم آموزش و پرورش :

از نظر واژه شناختی :

آموزش به معنای انتقال معلومات و مهارتها به دیگران است . پرورش به معنای فراهم آوردن زمینه برای شکوفائی توانائی های درونی و استعدادها است .

★ آموزش به عنوان وسیله یا زمینه ساز برای پرورش است همراه با
پرورش بصورت دو مفهوم مترادف بکار برده می شود .

تربیت به معنای اعم کاربرد گسترده تری دارد و تنها درباره
انسان ، بلکه حیوانات مانند اسب ، سگ و گیاهان بکاربرده می شود

تربیت به معنای اخص که معادل یا مترادف با آموزش و پرورش  است و تنها درباره ی انسان بکاربرده می شود .

★ آموزش و پرورش امری است مختص انسانها که در زمانها و مکانهای مختلف به صورتهای متفاوتی تفسیر می شود.

★ در دوران قدیم ، ایران باستان منظور از آموزش و پرورش بیشتر
رشد و توسعه مهارت‌های بدنی مانند شمشیر زنی ، اسب سواری و ...
بوده است (انتقال مهارت‌های بدنی)

★ از قرن نوزدهم میلادی تصور مفهوم انسان فرهیخته به عنوان کسی که از همه جنبه های جسمانی ، اخلاقی ، عقلانی و اجتماعی رشد یافته است .

★ مفهوم آموزش و پرورش يك مفهوم كاملا سياسي است . در يك انتها زنجيره ، مفهوم قديمي تر و غير متمايز تر قرار دارد در حلقه هاي ديگر زنجيره ، مفاهيم ديگري از آموزش و پرورش كه شامل فرآيندهايي است كه موجبات رشد كيفيات مطلوب مي شود .

تعاریف آموزش و پرورش از سه لحاظ یا نوع بررسی کرد:

۱- تعریف دستوری (تجویزی):

مقید به نظر شخصی بدون توجه به نظر دیگران است. مبین نظر
تعریف کننده است.

۲- تعریف توصیفی :

مبین مفاد اصطلاح در مضمونهای متفاوتی است که به طرق مختلف بکاربرده است . تعریف توصیفی متعدد ، متناسب با زمینه و مضمونی که بکار برده می شود .

تعريف برنامه ای :

تعريفی صریح یا ضمنی چگونه بودن را بیان می کند . به عبارت دیگر این تعریف می گوید : “ این است آنچه که يك چیز باید باشد “

فصل دوم

آموزش و پرورش به عنوان دانش پایه یا کاربردی

هدف کلی :

دانشجو در متن این فصل با این استدلال که آموزش و پرورش خود يك دانش پایه و معرفت نظام یافته مستقل است آشنا خواهد شد .

هدفهای فتاری این فصل :

۱- ملاك هائي كه هر معرفت نظام يافته را از ساير معارف متمايز مي كند .

۲- روشهاي استدلال يا تفكر

۳- هدفهاي دانش آموزش و پرورش

۴- ويژگي هاي روش تفكر تربيتي

۵- ويژگي هاي تفكر

۶- “نمودهاي اخلاقي” دانش آموزش و پرورش

ملاکهای معرفت نظام یافته

(ملاکهایی که دانش های پایه متفاوت را از یکدیگر متمایز می کند)

۱- سطح انتزاع مفاهیم

۲- روشهای تفکر یا استدلال

۳- هدفهای هر دانش

۴- نمودههای اخلاقی

سطح انتزاع آموزش و پرورش :

سطح انتزاع آموزش و پرورش از سایر شاخه های معرفت بشري اين است که آموزش و پرورش الگوهايي را براي تبیین ، توصیف ، اکتشاف و اختراع برقرار مي کند و اين الگوها را در رابطه با روشهاي که الگوها از طريق آن ها عمل مي کنند ، مورد مطالعه قرار مي دهد .

روشهای تفکر یا استدلال در آموزش و پرورش:

سه نوع تفکر متمایز وجود دارد:

تفکر ریاضی:

استنتاج منطقی از اصول بدیهی است که خودشان نیازی به بررسی و کاوش ندارند.

تفکر علمی :

مانند ریاضی از قیاس ها استفاده می کند اما از تفکر ریاضی متفاوت است زیرا تفکر علمی به بیش از کفایت منطقی علاقمند است . برای داوری و پیش بینی کردن پدیده های دنیای مادی به کاربرده می شود .

تفکر فلسفی :

درباره مسائل و امور معین از قیاس استفاده می کند . انسان زمانی تفکر فلسفی دارد که خود را در زمینه های ضمنی از ارزشها و معانی متعهد می کند که تا کنون پذیرفته یا رد شده اند ، اما بطور خودآگاه به وسیله خود شخص بررسی شده اند . مانند : جهان طبیعت و عالم انسانی .


★ تفکر تربیتی هر چند کیفیت خاص خود را دارد اما از بین سه تفکر بیشتر متمایل به تفکر فلسفی دارد . چون متوجه به سوی الگوهای تفکر است که در فرآیند استدلال و داوری کردن وارد می شود و موجب بوجود آمدن و بررسی نوع ، وسعت ، کیفیت تجارب می شود .

تفاوت تفکر در آموزش و پرورش با روشهای تفکر در سایر دانشها :

★ همه دانش ها ، معمولاً بیان و مقایسه نقش شیوه های یاد شده می پردازند (تجربی یا منطقی) در صورتی که آموزش و پرورش بر خلاف سایر دانشها به وجود آوردن و خلق کردن شیوه های جدیدتر توصیفی ، اکتشافی و ابداعی علاقمند است .

★ تفکر تربیتی ، اندیشیدن درباره چگونگی به وجود آوردن ،
امتحان کردن و توسعه دادن روشهاست برعکس روشهای دیگر که به
بررسی الگوها به منظور توضیح و تصریح معانی مفاهیم هستند .

هدف آموزش و پرورش :

ترقي دادن يا بهتر کردن روشهاي پژوهش و آفرينندگي است 
که به وسيله آنها علوم ديگر ، رياضيات و فلسفه نقشهاي خود را ايفا
و هدفهاي خود را دنبال مي کنند

★ دانشهای شناخته شده مانند فیزیک و روانشناسی روشها را به خدمت می گیرند. فلسفه در معانی روش و انواع آن کندو کاو می کند. هدف آموزش و پرورش مطالعه و تاثیر روش روی اعمال هوشی و اختراع روش است.

★ هدف مطالعه آموزش و پرورش ،
فهمیدن نقشی است که عناصر پژوهش در
عملیات فکر کردن ایفا می کند . بهبود
توانائی انسان برای تفکر است .

نموده‌های اخلاقی در آموزش و پرورش :

نموده‌های اخلاقی در آموزش و پرورش از قواعد آموزش و پرورش سرچشمه نمی‌گیرد بلکه از نظام متداول اجتماعی — روانشناسی نشات می‌گیرد. انتخاب نامناسب و اشتباه آمیز مطالب درسی غیر اخلاقی تلقی می‌شود.

فصل سوم

آموزش و پرورش و روانشناسی

هدفهای کلی این فصل :

تاکید این فصل بر تفاوت نظریه تربیتی با نظریه روان شناختی است.

هدفهای رفتاری این فصل :

۱- مشخصات نظریه تربیتی

۲- تفاوت میان روانشناسی و آموزش و پرورش — بار ارزشی و بازده نهائی

۳- کاربرد مفاهیم رشد و انگیزش در دو حوزه

ویژگی های یک نظریه تربیتی :

۱- کلا نظریه تربیتی علاقمند است بداند که :

★ چه چیزهای

★ با چه روشهائی

★ در چه مرحله ای از رشد تربیتی و تعلیمی

★ برای بار آوردن چه نوع انسان فرهیخته باید آموخته شود .

۲- يك نظريه تربيتي مي كوشد مراحل رشد تربيتي را مشخص كند .

۳- بر اساس نظريه تربيتي هر مرحله از رشد بر حسب سازمان و
شكلهاي ارائه معرفت تعيين مي شود .

۴- بازده نهائی در يك نظريه تربيتي يك نوع انسان است .

۵- فرآیند تربيتي تنها زماني وجود دارد که آن را بوجود آوریم .

۶- مساله اصلي در نظريه تربيتي تبين ماهيت فرآيند نيست بلکه تجويز آن چيزهائي است که بايد براي به وجود آوردن يك فرآيند ايده آل انجام گيرد .

۷- در نظريه تربيتي انگيزش و يادگيري بايد برانگيخته شود و طبق روشي که معرفت انتخاب ، تنظيم و ارائه شود .

ویژگی های نظریه روانشناسی :

۱- نظریه روانشناسی بدنبال پاسخگویی به پرسشهایی در باره رشد بر حسب محتوی نیستند .

۲- نظریه روانشناسی پدیده خاصی چون رشد شناختی را بررسی می کنند و شرایط فرهنگی و تاریخی را نادیده می گیرند .

۳- نظریه روانشناسی درباره پدیده ای که وجود دارد پژوهش کرده ،
فرآیندهای روانشناختی و الگوهای رفتاری را توصیف یا توضیح می
دهد .

۴- پیش فرض یک نظریه روانشناسی علم است .

۵- بازده نهائی در يك نظريه روانشناسي يك نوع تفکر است .

۶- يك نظريه روانشناسي كاملا توصيفي است .

۷- يك نظريه تربيتي كاملا تجويزي است .

۸- يك نظريه روانشناسي سعي مي كند تعاريف دقيق و روشن از اصطلاحاتي چون انگيزش و يادگيري ارائه دهد .

۹- مربيان از نظريه هاي روانشناختي كه سعي مي كنند از جنبه هاي
با ارزشي بگاهد ، پيروي نمي كنند .

۱۰- يك نظريه تربيتي عاري از ارزش بي فايده است .

۱۱- يك نظريه تربيتي شامل انتخاب مجموعه اي از توانائي هاي بالقوه مورد نظر انسان و خلق برنامه اي براي فعاليت آنهاست .

۱۲- نظريه روانشناسي ادعائي در مورد مشخص کردن “ چگونه شدن ” موجود انساني ندارد .

کاربرد نظریه روانشناسی در آموزش و پرورش :

۱- تنظیم محتوای برنامه درسی که شامل مفاهیم انتزاعی است کمک می‌گیرد .

۲- گنجاندن چه نوع مفاهیم و مطالب در محتوای برنامه درسی باید اجتناب کرد .

۳- مناسب ترین مرحله رشد (روانشناسی) برای آموختن مفاهیم
معین کدام است .

۴- کاربرد نظریه روانشناسی برای مطالب انتزاعی دینی ، برای مربیان
در تعیین این که چه چیزهایی باید آموخته شود .

مطالعه روانشناسی :

محدود کردن چیزهای آموختنی به تعدادی مفاهیم محدود را مغالطه
روانشناسی می گویند .

آیا با توجه به اینکه کودکان دبستانی فاقد
درک و فهم بعضی از مفاهیم اساسی هستند ،
تاریخ را باید در کلاسها ابتدائی تدریس کرد
یا نه ؟ چند پاسخ قابل بررسی است :

۱- چون کودکان فاقد مفاهیم اساسی تاریخی هستند ، به جای تاریخ
درس علوم اجتماعی با حذف مفاهیم اساسی تاریخی در برنامه درسی
منظور گردد . مطالب بیشتر شامل موارد مربوط به محیط زندگی
کودک باشد .

۲- كودك بايد در خارج و در امتداد خطوط در حال گسترش تدريجي
تداعي هاي مفهوم ، از آنچه كه قبلا مي دانستند ، حرکت كند .

توسعه دادن افقی برنامه درسی معمولاً از مجموعه مفاهیم
محلی تشکیل می شود که به طور گسترده ای حاصل تجربه افراد (کم سواد) است .

۴- چون از نظر تربیتی داشتن معرفت تاریخی برای کودکان مهم است ، بهتر است در چارچوب محدودیتهای توسعه مفهوم در کودکان تدریس شود .

۵- لازم است انواع داستانهای تاریخی که بیشتر مورد توجه کودکان هستند و فهرستی از انواع مفاهیم را که یادگیری آنها به درک و فهم تاریخ کمک می کنند مورد بررسی قرار گیرد .

۶- روشهای گوناگون را برای تدریس به کار ببریم و در معرفی يك کلمه تازه نوعی فضاي “ علم معاني ” بوجود آوریم که کودکان تلاش کنند آن فضا را با معاني مناسبی پر کنند .

۷- از قدرت تخیل کودکان استفاده کنیم . اگر کودکان قادر هستند جانوران بزرگ را ، جادوگران و شاهزاده خانم ها و حیوانات ناطق را درك کنند پس مي توانند مطالب غير عيني خارج از زمان و مکان را نیز بفهمند .

چه موقع چیزهای معینی را باید تدریس کرد؟

باید از نظر کیفی مراحل مختلف را مشخص کند که در طول آن فرد باید برای رسیدن به نوع خاصی از کمال تربیتی ، که نظریه تربیتی آن را به روشنی توصیف می کند ، طی کند .

چگونه باید چیزها تدریس شود ؟

کاربرد نظریه روانشناسی “پیاژه” در
تدریس :

نظریه پیاژه تنها از نظر تنظیم و ارایه مواد آموزش و پرورش کاربرد
دارد .

تفاوت برنامه درسی مدرسه و برنامه درسی رشدی از دیدگاه الکانید :

برنامه درسی از يك رشته مواد و موضوعات درسي درست شده است
در صورتي كه برنامه درسي رشدی شامل يك رشته توانائي ها و
مفاهيمي است كه کودکان کم و بیش کسب مي کنند .

برنامه رشدی برنامه ای نیست که آموخته شود ، بلکه مجموعه
ای از ابزارها برای تحلیل برنامه درسی است .

محدودیت های کاربرد نظریه روانشناسی در آموزش و پرورش :

- ۱- نظریه پیازه روی تعدادی مفاهیم خاص متمرکز می شود .
- ۲- برنامه رشدی نمی تواند به ما بگوید کدام يك از روشها مناسب تدریس از نظر رشدی یا تربیتی بهترین و ارزشمندترین است .

۳- يك نظريه روانشناسي زماني از نظر کاربردهاي روشنتر تربيتي مورد توجه قرار مي گيرد كه بتواند به ما بگويد چگونه از ساختن عنوان بي معنا يا غير ضروري مشكل با استفاده از مفاهيم نامناسب از نظر رشدي اجتناب كنيد .

۴- محدودیت دیگر نظریه روانشناسی در مورد تصمیم گیری این که چگونه مواد را تنظیم کنیم و ارائه دهیم ، تردیدی است که مربیان آموزش و پرورش در باره ای اعتبار متمایز کردن یادگیری و رشد از یکدیگر دارند .

چند مسأله اساسی در مورد تاثیر روانشناسی و یافته های آن در آموزش و پرورش :

۱- بخشي از اصول آموزش و پرورش را بايد از یافته های روانشناسي
اخذ کرد .

۲- نظریه روانشناسی با نظریه تربیتی یکی نیست .

۳- نظریه روانشناسی فقط در تنظیم محتوای آموزشی است نه در تعیین آن .

فصل چهارم

هدفهای آموزش و پرورش

هدفهای کلی این فصل :

آشنائی با نظرات متخصصان درباره ی هدفهای آموزش و پرورش و معیارهای تعیین هدفها و تعیین مناسب ترین آنها.

هدفهای رفتاری این فصل :

- ۱- تفکرات فلسفی “ جان دیوئی ” و آموزش و پرورش
- ۲- اصول و منابع تعیین هدفهای آموزش و پرورش
- ۳- معنا و مفهوم اصل
- ۴- تفاوت اصول موضوعه و اصول متعارفه
- ۵- تعریف نیاز و طبقه بندی آنها (دیدگاه فازلو و پرسکات)

تفکرات فلسفی جان دیوئی و آموزش و پرورش :

★ انسان موجودی زیستی است که پیوسته در حال تغییر و تکامل است .

★ آموزش و پرورش به خودی خود نمی تواند هدفی داشته باشد تنها افراد ، والدین ، معلمان ، هدفهایی دارند .

★ هدفهاي آموزش و پرورش را بايد در اذهان و قلوب مردم جستجو
کرد نه در نهاد اجتماعي که آموزش و پرورش مي باشد .

★ به عقیده ديوئي آموزش و پرورش بازسازي يا سازمان دادن مجدد
تجربه است و اين خود هدف آموزش و پرورش مي باشد .

به عقیده پرودی :

به جای مطرح کردن تمایلات گروههای مقتدر سیاسی یا عادات و فرصت طلبی باید از میزان معین پیروی کنیم .

معنا و مفهوم اصل :

☆ اصل به معنای ریشه و مبنا است .

☆ فلاسفه تعلیم و تربیت اصل را منشا و سرچشمه رفتار یا فعالیت
تعریف کرده اند .

★ دکتر هوشیار اصل را جستجوی آن گونه مبانی عقلانی و آن گونه مقیاسها می داند که بوسیله آن می تواند در هر مورد با کمال سهولت رفتار پرورشی مطلوب کرد.

اصول ، بنیاد و مبنای عمل و رفتار مربی و متربی هستند . 

اصول متعارفه :

اصولي که تمام فعاليت هاي آن علم بر اساس مجموعه قضايا و قضاوتها روشن و قطعي مي باشند . مانند اصول مکانيک که قضايایي که اثبات شده بصورت قوانين کلي در مي آیند .

اصول موضوعه :

مجموعه قضایا و احکام نظری هستند که بدون استدلال و برهان در علمی پذیرفته می شوند مانند “ اصل تربیت پذیر بودن انسان “ که این در آموزش و پرورش يك اصل است.

★ براي كشف اصول آموزش و پرورش بطور كلي ، سه منبع اصلي
يعني : **انسان ، جامعه ، نظرات فلاسفه و علما** بايد
مورد بررسي قرار گيرد .

رابطه بین اصول و هدفهای آموزش و پرورش :

آموزش و پرورش را فعل و انفعالی می دانند میان دو قطب سیال (شاگرد و معلم) که مستلزم طرح و نقشه ای است که متوجه هدفی مشخص است .

منابع و تعیین هدفها :

۱- یادگیری و نیازهای آنان :

★ مطالعه دانش آموزان جهت کسب اطلاعاتی درباره آنان

★ مقایسه اطلاعات با معیارهای مطلوب یا هنجارهای قابل قبول

★ بدست آوردن و بررسی اختلاف میان شرایط موجود و معیارها و
هنجارهای مطلوب .

★ اختلاف بین ارزشهای فلسفی معین و وضع موجود .

تعریف نیاز :

اختلاف میان شرایط موجود و معیارها و هنجارهای مطلوب است .

تعریف نیاز از دیدگاه روانشناختی :

تنش‌هایی است که در نتیجه بهم خوردن تعادل اورگانیزم به وجود می‌آید تا مجدداً اورگانیزم پویا، بطور مداوم، واکنش‌هایی در جهت از بین بردن نیروهای عدم تعادل از خود نشان می‌دهد.

طبقه بندی نیازها از دیدگاه “پرسکات” :

۱- نیازهای فیزیکی (فیزیولوژیکی):

مانند نیاز به غذا ، آب و فعالیت و غیره .

۲- نیازهای اجتماعی :

مثل نیاز به محبت ، تعلق خاطر ، نیاز به موقعیت اجتماعی و مورد احترام قرار گرفتن از طرف گروهی .

۳- نیازهای تکاملی :

نیاز بستگی فرد به چیزهای بزرگتر و ورای وجود خود مانند نیاز به داشتن يك فلسفه زندگی .

طبقه بندی نیازها از دیدگاه مازلو

“ Maslow “

۱- نیازهای فیزیولوژیک

۲- نیازهای ایمنی

۳- نیازهای محافظت از خود در مقابل خطر

۴- نیازهای اجتماعی – نیاز به تعلق به گروه

۵- نیاز به شناخت تواناییهای فطری و تحقق ذات

★ مطالعه نیازها ، راه و روشهایی را نشان می دهد که به موجب آنها
مدرسه می تواند فعالیتهای خود را برای دانش آموزان جالب و معنا
دارد سازد و با راههای مناسب دانش آموزان را در ارضای نیازهای
روانی یاری دهد .

دیدگاه "تافلر" در رابطه با تغییرات و نیازهای جامعه :

- ★ انقلاب صنعتی علاوه بر تکنولوژی و بازرگانی شیوه رفتار و نگرش افراد و معرفت و دانش را نیز تحت تاثیر گذاشته .
- ★ انقلاب صنعتی (موج سوم) جهان بینی جدیدی بوجود آورد .

★ جهان بيني جدي بر سه باور است :

۱- جنگ با طبيعت و تسلط بر آن

۲- تکامل

۳- اصل پيشرفت

ملاکهای گزینش هدفهای آموزش و پرورش :

۱- فلسفه آموزش و پرورش :

★ فلسفه آموزش و پرورش هر جامعه از فلسفه اجتماعی آن که در مورد مسائل اساسی معنوی، مادی، فرهنگی و تربیتی، اقتصادی و اجتماعی است سرچشمه می‌گیرد.

☆ فلسفه اجتماعی ، مجموعه ای از عقاید و نظام ارزشی و جهان
بینی مشترک یک قوم و ملت است .

★ فلسفه اجتماعی ، باعث وحدت اجتماعی و ضامن رشد و ادامه
حیات آن جامعه می شود .

★ فلسفه آموزش و پرورش و اجتماعی بدنبال هدفهای زیر می باشد :

۱- طبیعت انسان چیست ؟

۲- کمال انسان در چیست ؟

۳- ماهیت جامعه کدام است ؟

۲- روانشناسی پرورشی و یادگیری :

★ دومین ملاک یا غربال است که هدفهای آموزش و پرورش را تعیین می کند .

★ راه رسیدن به هدفهای آموزش و پرورش ، یادگیری است .

★ آگاهی به روانشناسی یادگیری به ما امکان می دهد تا میان تغییراتی که می توان ایجاد کرد آنها را در افراد بشر به وسیله فرایند یادگیری انتظار داشت و تغییراتی که ایجاد آنها بوسیله فرایند یادگیری امکان ندارد ، تفاوت قائل شویم و آنها را از یکدیگر تشخیص دهیم .

اصول هدفهای آموزش و پرورش عبارتند از :

۱- اصل تامین رشد زیستی و سازگاری :
موجود انسان در برابر محیط طبیعی و انجام دادن وظایف حیات .

۲- اصل کسب موقعیت اجتماعی و شغلی :
یاری به شخص تا با کسب فن و دانش برای زندگی در محیط اجتماعی
خویش تجهیز گردد .

۳- اصل آشنائی و اشتراك در تمدن انساني :
آگاه کردن افراد به آداب و سنن ، زبان و رسوم و عقايد مذهبي است
، احترام و همبستگي حقيقي .

۴- اصل توجه به استعدادها و شخصیت فردی:
با تدارك محیط و تهیه وسایل لازم آموزش برای کودکان و جوانان تا
بتوانند به خویشان و علائق خود پردازند .

۵- اصل معنویت و تربیت روحی :
ایجاد فضائل اخلاقی و معنوی تزکیه نفس ، آموختن قدر و منزلت
ارزشهای معنوی در انسان .

هدفهای آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران :

★ آموزش و پرورش از دیدگاه اسلام عبارت است از فراهم آوردن
زمینه رشد و تکامل همه جانبه انسان و هدایت سیر تکاملی او بسوی
وجود کامل مطلق برنامه ای سنجیده و منظم .

هدفهای آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه دکتر شریعتمداری :

۱- هدفهای ایمانی و اخلاقی :

الف - هدفها در رابطه با مبانی اعتقادی : شناخت خدا و کلیه تکالیفی که در این رابطه بر عهده انسان است از قبیل پرستش و اطاعت از خدا ، ایمان و احترام به پیامبران

ب- در رابطه با هدفهای اخلاقی : شناخت خود ، شناخت بعد الهی و کرامت انسان ، تزکیه و رشد معنوی ، کسب فضایی از قبیل امانت ، صداقت ، نظم و انضباط .

۲- هدفهای فرهنگی :

شناخت و پذیرش فرهنگ اسلامی و تلاش در حفظ و نشر آن ،
پرورش نیروی تفکر ، آشنائی با معارف قرآن ، حفظ موارث فرهنگی
، تاریخی ترغیب افراد به پژوهش و ابداع .

۳- هدفهای خانوادگی :

توجه به ضرورت تشکیل خانواده و قداست آن ، تقویت روحیه همکاری و مشارکت میان اعضا در انجام دادن امور .

۴- هدفهای اجتماعی :

رعایت حقوق همه انسانها و مراعات ، انصاف در برخورد با آنان ،
روحیه تعاون تفاهم و برادری ، شناخت معروف و منکر و پذیرش
مسئولیت امور به معروف و نهی از منکر .

۵- هدفهای سیاسی :

الف - در زمینه سیاست داخلی :

ایجاد شناخت و قدرت تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی ، پذیرش اصل رهبري ، اقدام به قانون ، اصل پیوستگی ، کامل دین و سیاست .

ب- در زمینه سیاست خارجی :

رعایت اصل استقلال در سیاست خارجی ، ارتباط با دیگر جوامع انسانی بر اساس عدل و انصاف

۶- هدفهای اقتصادی :

تقویت ایمان به مالکیت مطلق پروردگار ، تربیت روحیه احترام به کار و کوشش ، پرورش روحیه قناعت و صرفه جوئی .

۷- هدفهای دفاعی و نظامی :

توجه به رشد وسلامت و ورزیدگی نیروی بدن به منظور جهاد فی سبیل الله ، تقویت روحیه شجاعت و فداکاری و ایثار و شهادت طلبی

فصل پنجم

آموزش و پرورش دوره طفولیت و اول کودکی

هدف کلی این فصل :

بررسی دو دوره طفولیت و اول کودکی و شناخت چگونگی تحول و
رشد کودک .

هدفهای رفتاری فصل پنجم :

- ۱- معنا و مفهوم رشد
- ۲- قوانین رشد و مراحل آن
- ۳- تغییرات مهم دوره اول کودکی (رشد اجتماعی ، رشد عاطفی ، رشد ذهنی و رشد شخصیت) .
- ۴- اهمیت بازی و نقش آن .

اهمیت شناخت کودک (دلایل) :

★ از قرن هیجدهم به بعد با ظهور دانشمندان بزرگ چون : جان دیوئی ، مونته سوری ، دکرولی و

★ انتقاد همه صاحب نظران تعلیم و تربیت از آموزش و پرورش سنتی


پیشرفت چشمگیر دانش زیست شناسی و روانشناسی ✨

مطالعات و تحقیقات دانشمندان درباره رشد ذهنی و روانی
کودکان .

معنا و مفهوم رشد :

منظور زیاد شدن اندازه و وزن و قد است يعني ازدياد كميت و
مقدار (Grow in) 

منظور از رشد ، مي تواند كامل شدن حركت ، احساس و ادراك 
است (رشد کيفي (Development)

رشد  ، تغییراتی است از لحاظ زیستی در کودک پدید می آید یعنی استعداد در او ظاهر می شود ، چنین رشدی را رشد درونی و فطری یا پختگی می نامند . (**Maturation**)

*** بطور کلی ، مراد از رشد ، یک رشته تغییرات تدریجی ، مداوم و پیوسته است که در یک جهت معین جلو می رود تا در نتیجه آن ، انسان به غایت کمال و بلوغ برسد .**

اصول و قوانین رشد :

۱- رشد به صورت تغییرات تدریجی انجام می‌گیرد ، با نظم و تربیتی خاص و بطور تدریجی پیش می‌رود .

رشد به دو دوره ی مختلف تقسیم می شود :

۱- دوره جهش : دوره نوجوانی

۲- دوره آرامش : دوره دبستانی

۲- رشد ، فرآیند مداوم است . رشد امری پیوسته است آنچه در مرحله ای واقع می شود ، مرحله یا مراحل بعدی را تحت تاثیر می گذارد .

۳- سرعت رشد در افراد یکسان نیست ، سرعت رشد و تکامل به علت تاثیر عواملی مانند توارث ، محیط و تغذیه و شرایط جغرافیائی و بهداشتی متغیر است .

سرعت رشد از جنبه های گوناگون رشد نزد یک فرد نیز سرعت متفاوت دارند :

★ قد سریع تر از زبان رشد می کند .

★ حافظه برای بخاطر سپردن مسائل عینی و اشیاء سریع تر از
حافظه برای به خاطر سپردن موضوعات انتزاعی رشد می کند .

هر مرحله از رشد دارای ویژگی های مخصوص به خود است :

★ دو سالگی فعالیت کودک صرف کشف محیط ، تسلط یافتن بر بدن خویش می شود .

★ از سه سالگی تا شش سالگی رشد کودک جهت سازگاری با اجتماع می شود .

مراحل تعادل یا عدم تعادل :

در طول جریان رشد و تکامل ، مراحل از تعادل و عدم تعادل وجود دارد که ناشی از سازگاری یا عدم سازگاری کودک با محیط است .

مراحل عدم تعادل :

سنين ۱۵ ماهگي ، ۲۱ ماهگي ، دو سال و نيمي و بين ۱۰ تا ۱۲ سالگي يعني مرحله پيش از ظهور علائم بلوغ است که بصورت ناراحتي و بي ارادگي و عدم اطمینان ظاهر مي شود .

مراحل رشد از نظر موريس دېس

• (Maurice Debesse)

۱- دوره پرستاري از كودك از تولد تا سه سالگي (كودكي اول)

۲- دوره كودكستاني يا جست و خيز (كودكي دوم) از ۳ تا ۷ سالگي

۳- دوره دبستانی (کودکی سوم) از ۶ تا ۱۳ سالگی

۴- دوره نگرانی بلوغ (نوجوانی) ۱۱ تا ۱۶ سالگی

۵- دوره جوش و خروش از ۱۶ تا ۲۰ سالگی

مراحل رشد آدمی از دیدگاه دکتر شکوهی :

۱- دوره طفولیت از تولد تا ۱۸ ماهگی

۲- دوره کودکی اول ، از دو سالگی تا چهار سالگی

۳- دوره کودکی دوم ، از چهار سالگی تا هفت سالگی

۴- دوره کودکی سوم ، از هفت سالگی تا دوازده سالگی

۵- دوره نوجوانی ، از دوازده تا شانزده سالگی

۶- دوره جوانی از شانزده تا بیست سالگی

بطور کلی از دیدگاه نگارنده و مجموع
طبقه بندی های صاحب نظران تعلیم و
تربیت رشد آدمی از تولد تا بیست سالگی
پنج مرحله را شامل می شود :

۱- دوره شیر خواری ، از تولد تا ۳۰
ماهگی (دوره طفولیت):

★ آهنگ رشد در این دوره سریع است .

کلیه اندامها رشد سریع دارند و تغییرات اساسی در اندامها صورت می گیرد.

اولین تغییرات در دستگانه‌های گوارش و روئیدن دندانهای شیری است.

روئیدن دندانها از دو جهت واجد اهمیت است :

★ کودک علاوه بر شیر غذاهای مناسب بخورد .

★ مقدمات از شیر گرفتن کودک ، فراهم آوردن فرصت مناسب از عدم وابستگی به مادر .

☆ دومین تغییرات ، رشد عضلات ارادی است .

☆ راه رفتن دومین حادثه مهم در زندگی کودک است .

★ سومین تغییرات مهم ، رشد عضلات دستگامهای صوتی همراه با سلسه اعصاب ، مغز و لب و زبان است .

★ در این مرحله هنوز قدرت تمیز و تفکیک ندارد . لغات را در محرکهای مربوط به کار می برد که نشانه رشد ذهنی اوست .

روانشناسان برای تکلم سه مرحله قائلند :

۱- مرحله فعالیت درونی یا باطنی که در ۷ و ۸ ماهگی دیده می شود و موقعی است که کودک ظاهراً با “خودش” حرف می زند.

۲- دوره ي گیرندگی است که معمولا تا ۱۳ ماهگی طول می کشد ،
در این مدت کودک معنای کلمات و گفتار دیگران را درک می کند ،
اما نمی تواند پاسخ دهد .

۳- در مرحله آخر كودك توانائي به كار بردن لغات و كلمات را كاملا كسب مي كند حدود ۲ سالگي آغاز سخن گفتن كودك است.

رابطه سخن گفتن با هوش کودک :

☆ سخن گفتن با هوش رابطه مستقیم دارد .

☆ تقلید و پاداش در سخن گفتن نقش مهمی دارد .

★ مادر به عنوان اولین معلم زبان کودک نقش مهمی در تکلم دارد .

★ محبت و عطوفت مادرانه در رشد تکلم نقش مهمی دارد (اطفال پرورشگاهی دیرتر شروع به تکلم می کنند)

★ از نظر تربیتی باید به کودکان فرصت داد تا خواسته ها و تمایلات خود را بیان کنند.

★ مهمترین کار آن است که به کودکان به روشنی ، آرامی و شمرده و با خوشروئی صحبت کنیم .

رشد عواطف دو ماه پس از تولد ظاهر می شود. ✨

در شش ماهگی اولین حالت اضطراب در کودک دیده می شود. ✨

★ در يك سالگي نوميدي ، خشم و محبت ، همدردی ، لذت و حس مالکیت مشاهده می شود .

★ محروم بودن کودک از محبت در رشد بدنی و ذهنی کودک اثر می گذارد .

دوره اول کودکی (از ۳۰ ماهگی تا ۶ سالگی) :

رشد جسمانی :

★ رشد جسمانی در این دوره کند است .

★ استخوانهای مچ دست در دو سالگی ۲ یا ۳ قطعه هستند و در شش سالگی به ۶ یا ۷ قطعه می رسد .

★ رشد دستگاه اعصاب تا چهار سالگی بسیار سریع است .

★ پس از تولد سلولهای تازه عصبی بوجود نمی آیند بلکه همان سلولهای موجود در موقع تولد رشد می یابند .

✦ پس از سه یا چهار سالگی ، رشد دستگاه اعصاب با کندی و آرامی انجام می گیرد .

✦ از پنج سالگی به بعد رشد متوجه عضلات کوچک می شود (توپ بازی و نوشتن و کارهای دستی می تواند انجام دهد)

به عقیده روانشناسان مسلط بودن بر بدن برای کودک از چند نظر مهم است :

۱- موجب لذت و تفریح کودک می شود . بدون کمک بزرگتر می تواند بر محیط و بازیها مسلط شوند .

۲- بي نيازي كودك به ديگران ، استقلال او را فراهم مي آورد . بي نيازي كودك به او حس اعتماد بنفس و خشنودي مي دهد .

۳- سبب سازگاري و موفقیت کودک در کودکان و مدرسه می شود .
در بازیهای گروهی ، همکاری با همسالان شرکت می کنند ، به مراتب
موفق تر و شاد تر از کودکی است که رشد عضلاتش کمتر بوده است .

۴- در رشد اجتماعی کودک تاثیر فراوان دارد . قسمت اعظم تماس و روابط اجتماعی کودک از طریق بازی است و آنچه در بازی در درجه اول اهمیت دارد فعالیت‌های عضلانی است .

۵- رشد و تکامل عضلانی در تصویری که کودک از خود دارد ، در رشد شخصیت وی موثر است . کودک در هنگام ارزشیابی و قضاوت درباره خویشتن خود را با دیگران مقایسه می کند .

نکات مهم تربیتی دوره اول کودکی در رابطه با رشد جسمانی :

۱- کودکان در این دوره فوق العاده فعال هستند و نیاز شدید به
مراقبت دارند.

۲- به دلیل تمایل به فعالیتهای شدید ولی کوتاه مدت ، کودکان
احتیاج دارند در فواصل معینی ، استراحت کنند .

۳- عضلات بزرگ ، بیشتر از عضلات کوچک ، مخصوصا ماهیچه های انگشتان و دست رشد کرده اند ، بنابراین کودکان نیاز به کمک و یاری در انجام مهارتهای ریز و ظریف دارند .

۴- در کودکان تمرکز چشم روی اشیا کوچک مشکل است زیرا هنوز رشد عضلات چشم به حد کمال نرسیده است و هماهنگی میان چشم و دست ایجاد نشده است . نقاشی کودکان از نظر بزرگی شاهداین گفتار است .

۵- گرچه بدن کودکان ، قابل انعطاف است اما استخوانها نرم هستند بنابراین مربیان رعایت نکات ایمنی بخصوص سر را در بازیها بکنند .

۶- دخترها عملاً در مهارت‌های حرکتی ظریف جلوتر از پسرها هستند
بنابراین بهتر است از مسابقات بین دختر و پسر در چنان مهارت‌هایی
پرهیز شود.

۷- برتري يکي از دستها (دست راست يا چپ) در سنين کودکي دوره
کودکستان کاملا مشهود است .

دلایل چپ دستی :

★ چپ دستی میتواند موروثی باشد .

★ برتری فعالیتها سمت راست مغز بر سمت چپ مغز می تواند باشد .

چپ دستي مي تواند نتيجه يادگيري و عوامل اجتماعي مي تواند
باشد .

چپ دستي ميتواند نتيجه تمرين و تکرار باشد .

رشد اجتماعی :

غرض از رشد اجتماعی ، درك روابط متقابل ، هماهنگی و همکاری با هیات اجتماع و پذیرش موازین و سنن آن می باشد . دوره بعد از خود مداری است .

رشد شخصیت :

کودک ضمن اجتماعی شدن شخصیت او رشد می کند و تصویری از خویشتن پیدا می کند این تصور از خویشتن را از طریق محیط و سازگاری با محیط کسب می کند .

عوامل عمده رشد شخصیت کودک :

★ هوش ، تجربیات نخستین زندگی ، زندگی خانوادگی ، اطرافیان ، همبازیها و دوستان ، تندرستی ، نام کودک ، کنیه و لقب که دیگران به وی می دهند همگی در رشد شخصیت کودک تاثیر دارد .

رشد عواطف :

عواطف کودک پس از سه سالگی شبیه
بزرگسالی می شود .

★ تکامل عواطف نتیجه یادگیری و رشد بدنی
می باشد .

★ رشد قسمت کرتکس مغز و غده داخلی بدن
تأثیر بزرگی در تکامل عواطف دارد.

★ ترس کودک از یک طرف با فعالیت غده
داخلی و از طرف دیگر با رشد عقلانی وی
رابطه نزدیک دارد.

عواملی که در رشد و تکامل عواطف دخالت دارند عبارتند از :

عوامل شرطی ، تقلید یعنی مشاهده رفتار عاطفی با دیگران و یادگیری
است . حتی عواطف می توانند یک امر مسری هم باشد .

رشد ذهنی :

★ در دوره اول کودکی رشد ذهنی به سرعت پیش می رود .

★ رشد حواس و هماهنگی تدریجی عضلات ، از طریق اعمال حرکتی ، تکمیل می شود .

★ از نظر رشد هوشی کودک مرحله “حسی – حرکتی” را پشت سر می گذارد و وارد مرحله پیش از تفکر عملی می شود.

★ در اوایل سه سالگی بعضی از مفاهیم را می تواند در ذهن نگه دارد اما نمی تواند طبقه بندی کند.

★ در چهار سالگی ساده ترین شکل روابط بین مفاهیم را می فهمد
مانند : سیب از میوه هاست و گاهو از سبزیجات .

★ قادر است يك شي را بصورت يك كل درك كند و اجزاي آن
شي را بصورت پنهان تصور كند .

نکات مهم تربیتی در رابطه با رشد اجتماعی و عاطفی و ذهنی :

۱- از نفوذ بزرگترآزاد و مستقل می شود و بیشتر تمایل دارد به کودکان هم سن و سال نزدیک شود . خواهان شرکت در بازیهای گروهی با هم سن و سال و از یک جنس علاقمند است .

۲- روی کودکان و یا بازیهای آنان کنترل و نظارت داشته باشیم ، نیز باید توجه کرد ، تاکید روی و یا جلوگیری از کدام قسمتهای بازی ، موجب سازندگی و پیشرفت یا عقب ماندگی در رفتار معین می شود .

۳- بهتر است به کودکان اجازه داده شود تا خود اختلافات خود را حل کنند ، تنها زمانی باید دخالت کرد که دامنه نزاع گسترش پیدا می کند و معمولاً برای جلوگیری از آن پیشنهاد بازی دیگر و توجه دادن کودکان به حقوق دیگران بهترین راه است .

۴- برای کودکان فرصت شرکت در بازیهایی داده شود که اولاً آنان همکاری و اشتراك مساعي با گروه را یاد بگیرند . ثانياً ، باید به عهده گرفتن نقش “ حس “ “ خودنمائي “ خود را ارضا کنند و با ابراز وجود ، رشد شخصیت خود را توسعه دهند .

۵- بروز خشم ناگهانی در این دوره زیاد مشاهده می شود . بهترین راه این است که به کودکان فرصت داده شود عواطف خود را آزاد بیان کنند تا آنان نسبت به عواطف خود آگاهی پیدا کنند و با آنان روبرو شوند .

۶- حسادت در میان کودکان در این سن کاملاً عادی است. مریبان توجه و محبت خود را بطور مساوی میان کودکان تقسیم کنند و زمانی که می خواهند کودکی را تحسین کنند بطور خصوصی انجام دهند.

۷- مربیان باید از طریق بازی ، قصه گوئی و نقاشی تشویق کنند ، تا
آفریده های ذهنی خود را تشویق کنند . در عین حال ضروری است که
میان واقعیات و باورهایشان تمیز قائل شد .

بازی و کودک :

★ مهمترین اثر بازی آن است که به کودک مجال و فرصت می دهد که اظهار شخصیت کند و خویشتن را آشکار کند .

★ بازی تمرین تمایلات است .

★ به عقیده “گروس” بازی پیش تمرین است . تدارك بیننده يك
زندگی حقیقی است .

★ امیال کودک را تا حد زیادی برآورده می کند . میل ها و
احتیاجاتی که کودک در زندگی عادی نمی تواند برآورده ، و در حین
بازی عملی و ارضا می کند .

★ كودك از طريق بازي چگونگي برقرار كردن روابط با ديگران را مي آموزد .

★ از طريق بازي بتدریج رعایت قواعد ، مقررات و همکاری با ديگران را مي آموزد .

★ بازیها جنبه آموزشی و پرورشی دارند .

★ بازیها جنبه تسکینی و درمانی نیز دارند .

بازی از دیدگاه فروبل “Frobel” :

★ بازیهای کودکانه به منزله هسته حیاتی است .

★ رشد کامل و بروز شخصیت واقعی انسان به وسیله بازی امکان پذیر است .

★ روح و فکر کودک در حین بازی آزاد می شود و شخصیت واقعی و
امیال درونی ظاهر می شود .

★ از طریق بازی بسیار از استعدادها و تخیل تقویت می شود .

تعريف بازی :

به فعاليتهايي اطلاق مي شود که براي منظور خاصي انجام نمي گيرد .

بازي فعاليت غير جدي است و فاقد "ارزش اخلاقي" است .

★ در بازي نفس عمل در نظر است و ايجاد لذت است .

★ هر بازي كم و بيش موقعيتي را در بر دارد و در نتيجه داراي هدف و قواعدي است .

دوره دوم کودکی

از ۷ تا ۱۱ سالگی

رشد جسمانی :

این دوره از بلوغ معمولاً در دخترها دو سال زودتر از پسران شروع می شود ، ادامه پیدا می کند . این دوره شامل دو مرحله است : مرحله اول از ۷ تا ۹ سالگی . مرحله دوم از ۹ تا ۱۱ سالگی .

ویژگیهای مرحله اول :

★ رشد و تکامل بدنی نسبت به دوره های قبل و بعد کند تر و آرام تر است (دوره آرامش)

★ رشد مغز در ۹ سالگی تقریباً به حجم نهایی خود میرسد .

ویژگی های مرحله دوم :

✦ مجدداً آهنگ رشد سریع تر می شود . (دوره جهش)

✦ فعالیت غدد “ درون ریز ” تشدید می شود و دوره بلوغ آغاز می گردد .

نکات مهم تربیتی دوره دوم کودکی در رابطه با رشد جسمانی :

۱- کودکان به فعالیتهای بدنی بسیار علاقه دارند . فرصت فعالیتهای حرکتی و کلامی داده شود .

۲- کودکان مهارت و اعتماد کامل را برای کنترل بدن بدست می آورند .

★ از نظر رشد عضلات كوچك كودك هنوز آمادگي لازم براي كارهاي ظريف پيدا نكرده است . از نوشتن به مدت طولاني پرهيز شود چون مهارت به جاي پيشرفت ، روبه زوال مي رود .

★ كودكان از مطالعه به مدت طولاني بر حذر باشند چون هنوز تطابق و هماهنگي چشمها در اكثر كودكان كامل نشده است .

★ کودکان در این دوره مستعد ابتلا به بیماریهای متداول کودکی هستند ، مربیان تدابیر احتیاطی لازم را اتخاذ کنند .

★ کودکان در این مرحله تطابق و هماهنگی اندامهای حرکتی دارند بنابراین ساختن و پرداختن اشیاء کوچک و ریز برای آنان آسان و لذت بخش است .

رشد اجتماعی دوره دوم کودکی :

★ ادراك اجتماعي كودك از شش سالگي به بعد به سرعت رو به
تکامل مي رود .

★ کودکان گروههاي مستقل تشكيل مي دهند و از قيد و بند
دخالت بزرگترها رها مي شوند .

★ جنبه های مثبت عضویت در گروه بیشتر از جنبه های منفی آن است . این دوره برای کودکان کمرو دوره مشکلی است .

★ کودک با زندگی در گروه ، طرز برخورد با افراد ، مقررات ، زندگی در میان همسالان و سازگاری اجتماعی را یاد می گیرد .

رشد ذهنی در دوره دوم کودکی :

این دوره از رشد ذهنی را پیازه دوره **عملیات تفکر عینی** می نامد .

کودکی با مفاهیم مقدار ، مسافت و وزن و حجم اشیاء آشنا می شوند .

★ تفکرکودک در این مرحله **انضمامی** و تنها در مورد اشیای محسوس و واقعی صورت می گیرد .

★ به مفاهیم علت و معلول (علیت) مکان ، عدد ، حرکت و زمان پی می برد .

★ ادراك مفهوم زمان به كندى رشد مي كند.

★ ادراك مفهوم عدد نيز عملي است كه به تدريج صورت مي گيرد.
تا سن ۵ و ۶ هر سال يك عدد ياد مي گيرد) اما مفهوم عدد به معنای
رياضي را بعد از ۶ سالگی ياد مي گيرد.

★ حافظه کودک در ۹ سالگی بی اندازه فعال و قوی است (شش یا هفت عدد را به خاطر بسپارد)

★ اضطراب و انگیزه از عوامل به خاطر سپردن است.

نکات مهم تربیتی در رابطه با رشد اجتماعی و ذهنی (دوره دوم کودکی):

★ کودکان در این دوره “واقع گرایی اخلاقی” هستند . دانستن “جرایی” و “چگونگی” برای آنان مشکل است .

★ در سنین ۹-۱۱ گروه ها و دسته های کودکان سازمان یافته تر و قوی تر می شوند.

★ بیشتر پسرها تمایل به مشت زدن ، کشتی گرفتن ، هل دادن و تنه زدن است . مربی در دعوای طولانی دخالت کند و دلیل این دشمنی را نیز کشف کند.

★ تعارض بین مقررات گروهی ممکن است مشکلاتی را به وجود آورد . در اعمال مقررات مربیان انعطاف پذیر باشند.

★ رقابت جزء لاینفک زندگی در مدرسه و خارج از آن است . بهتر است آنان را تشویق کنیم که به جای رقابت با دیگران با خود رقابت کنند.

★ کودکان دبستانی نسبت به انتقاد بسیار حساس هستند. بهتر است از تقویتهای مثبت مانند تعریف و تمجید و تایید استفاده شود و از عکس العمل های منفی و تمسخر پرهیز شود.

★ کودکان بی اندازه مشتاق به یادگیری هستند بنابراین بهترین فرصت برای “آموزش و پرورش رسمی” و کسب مهارت‌های خواندن، نوشتن، حساب کردن است.

★ سخن گفتن بر ایشان آسانتر از نوشتن است، علاقه دارند از حفظ بخوانند. پذیرفتن نوبت گرفتن و شنونده خوب بودن بسیار ضروری است.

دوره نوجوانی (بلوغ) ۱۶ تا ۱۱ سالگی

★ کودک به علت تغییرات شدید فیزیولوژیکی در وضع و حالت خاصی از نظر روانی قرار می گیرد.

★ به علت تغییرات عمده روحی و روانی روسو این مرحله را تولد دوم نامیده است.

نکات مهم تربیتی در رابطه با رشد جسمی در دوره دوم کودکی :

۱- در نتیجه رشد سریع بلوغ اندام نوجوان به ظاهر خود توجه بیشتری دارد . نوجوان را به انجام فعالیتهای متفاوت ترغیب می کند .

۲- در فرصت های مناسب توجه جوانان را به نحوه و نوع تغذیه مناسب نیازهای رشد بدنی جلب کنند .

رشد عواطف و سازگاری اجتماعی :

✦ تعادل روانی به هم می خورد ، تشخیص طلبی و سازگاری اجتماعی دچار آشفتگی می گردد.

✦ از لحاظ روانی همیشه بین قدرت و ناتوانی بسر می برد .

★ اغلب در خود فرومي روند و از دنياي واقعي به عالم ذهني و دروني پناه مي برند .

★ ميل استقلال طلبي و برتري جويي دارد و تخيل قوي دارد .

☆ اخلاق و رفتار بزرگان و پیشوایان بزرگ اخلاقی و شخصیتی
را سرمشق می‌گیرد .

☆ درباره دین ، خدا ، حکومت و قانون می‌اندیشد و عقاید
خود را بهترین نمونه طرز تفکر می‌داند .

رشد ادراک و قوای ذهنی دوران دوم کودکی :

★ از سن ۱۳ سالگی بر آهنگ رشد عقلي افزوده مي شود و تا ۱۶ سالگی ادامه پیدا می کند و در ۱۸ سالگی با ثبات می شود .

★ به عقیده پیاژه آخرین رشد عقلانی و کسب توانایی تفکر انتزاعی است .

فصل هفتم

معلم

هدف کلی این فصل :

نقش و وظیفه معلم در نظام آموزش و پرورش ، صفات شخصی و حرفه ای معلم از مهمترین اهداف این فصل می باشد .

هدفهای رفتاری این فصل :

۱- ویژگی های شخصی معلم

۲- ویژگی های حرفه ای و فنی معلم

ویژگی های شخصی معلم :

۱- برخورداری از سلامت جسمی و روانی — از نظر جسمانی سالم و قوی و از نظر روانی و عاطفی متعادل باشد. معلم باید نشاط ، امنیت خاطر و ثبات را در کلاس درس به وجود آورد .

۲- پای بند به ارزشها و اصول انسانی و اجتماعی — ارزشهای معنوی و اخلاقی و اجتماعی را به کودکان و نسل آینده انتقال دهد . به صفات عالی مانند راستگویی ، وظیفه شناسی ، پاکدامنی و شهامت و عدالت آراسته باشد .

۳- برخورداری از استعداد و قوای ذهنی نسبتاً خوب – معلم باهوش
از استعداد های تخیل و تصور ، تداعی ، تجرید ، استدلال کافی
خواهد داشت . حافظه قوی ابزار اصلی و اساسی کار معلم است .

ویژگیهای حرفه ای و فنی معلم :

معلم باید از دو نوع معلومات برخوردار باشد :

۱- معلومات عمومی (اطلاعات عمومی و کلی معلمی)

۲- معلومات فنی و حرفه ای که مربوط به معلمی و تدریس او است .

ویژگی های کلی یک معلم خوب عبارتند از :

۱- میل همکاری توأم با عواطف و احساسات عالی و فکری روشن داشته باشد .

۲- با خلق خدا با صفا و صمیمی و یکرنگ رفتار کند .

۳- از تعلق و افتادگی به بالادست و اجحاف و زور به زیر دست پرهیز کند .

۴- از نظر اخلاقي نمونه و سرمشق ديگران باشد .

۵- در امر مشورت و همکاري ، بي غرض باشد .

۶- نه زور بگويد و نه زور بشنود .

فصل هشتم

تدریس

هدف کلی این فصل :

آشنائی با مفاهیم نظری تدریس و ارتباط منطقی آن با یادگیری و جایگاه آن در نظام آموزش و پرورش .

هدفهای رفتاری این فصل :

۱- مفهوم یادگیری و ویژگی های آن

۲- مفهوم تدریس و ویژگی های آن

مفهوم یادگیری :

تغییرات پایدار و دائمی در رفتار فرد را یادگیری می گویند. تغییرات ناشی از فرآیند طبیعی بودن یا رشد به مرحله پختگی و بلوغ یادگیری محسوب نمی شود .

یادگیری باید دارای دو ویژگی باشد :

۱- تسلط :

فرآیند یادگیری همیشه با کسب نوعی تسلط و مهارت درباره چیزی یا در کاری همراه است . دانستن چیزی یا بدست آوردن مهارتی که قبلاً نداشتیم .

۲- تجربه :

کسب تسلط به تنهایی برای یادگیری کافی نیست زیرا امکان دارد یادگیری در نتیجه تغییرات ناشی از بلوغ در افراد باشد. آنچه مورد نظر است تسلط و دستیابی به معرفت و مهارتهایی است که حاصل تجربه شخصی باشد.

تعریف یادگیری از دیدگاه “مارکوپز” :

یادگیری یعنی ایجاد تغییر کم و بیش دائمی در رفتار بالقوه یادگیرنده ، مشروط بر اینکه این تغییرات بر اثر اخذ تجربه باشد نه تغییرات ناشی از بلوغ .

مفهوم تدریس :

★ فرآیند آموزش و پرورش نه تنها شامل یادگیری است بلکه تدریس را نیز در بر می گیرد .

★ آموزش و پرورش مستلزم یادگیری است . برای آموزش و پرورش ، یادگیری ضروری است .

★ فعالیتی است که به وسیله آن مفاهیم ، مهارتها و ارزشها به یادگیرنده انتقال می یابد .

ویژگیهای مفهوم تدریس :

الف – قصد فراهم کردن موجبات یادگیری :

فعالیتی که هدف آن فراهم کردن موجبات یادگیری و امداد کردن شاگردان به یادگیری است .

ب – مشخص کرن آنچه باید آموخته شود :

دو مورد در فعالیتهای تدریس ضروری هستند :

۱- چیزی که باید یاد گرفته شود .

۲- فرآیند یادگیری .

ب – در نظر گرفتن وضع شناختی یاد گیرنده :

★ غرض از تدریس ، یاد دادن به کس یا کسانی است ، هم یاد دادن ، چیزی است .

★ آنچه باید یاد گرفته شود از يك طرف و قابل فهم و درك بودن آن براي یادگیرنده از طرف دیگر ضرورت دارد .

برای تدریس به عنوان هسته مرکزی سه شرط لازم است :

۱- فعالیتهای تدریس باید بر مقصود و منظوری مبتنی باشد

۲- بیان کننده و یا نشانگر آن چیزی باشند که قرار است یاد گرفته شود.

۳- به طريقي بايد نشان دهنده اين باشند كه چيزهائي ياد گرفتني قابل فهم و مطابق با توانائيهاي ياد گيرنده هستند .

ت – مشخص کردن محتوا و روشها :

بین فعالیتهای متعدد که شامل تدریس است تعادل و توازن برقرار شود و در تمام برنامه ریزیهای فعالیتها نکات مهم زیر رعایت شود :

۱- مشخص کردن هدفهای آموزشی که فعالیتهای تدریس ، یادگیری به خاطر دستیابی به آنها برنامه ریزی می شوند .

۲- مشخص کردن محتوا و یا موضوع که برای رسیدن به هدفهای آموزشی ضروری هستند و باید مورد استفاده قرار گیرند .

۳- مشخص کردن روش یا شکل ارائه محتوای فعالیت ها مورد بازبینی
و تجدید نظر قرار گیرند .

فصل نهم

انضباط

هدف کلی این فصل :

“ اصل آزادي ” و “ اصل کنترل اجتماعي ” تحت عنوان انضباط
و کاربرد نقش انضباط در آموزش و پرورش مورد بررسی قرار میگیرد .

هدفهای رفتاری این فصل :

۱- مفهوم انضباط

۲- انواع انضباط

۳- ارتباط میان انضباط و یادگیری در آموزش و پرورش

مفهوم انضباط : Discipline

از کلمه ضبط و به معنای خویشتن داری و پیروی از قواعد است .
قواعدی که سازمان یا بافت چیزهای یادگرفتنی را تشکیل می دهد .

★ آموزش و پرورش ضرورتاً مستلزم یاد‌گیری است و همه یادگیری‌ها نیز مستلزم پیروی از قواعد است. این قواعد ممکن است امر “ ذاتی ” برای راه بردن عقل و یا روشی از تفکر باشند مانند تفکر علمی ، ریاضی .

انواع انضباط :

۱- انضباط شخصی :

شخص قوعد و معيارهاي را براي انجام دادن كاري يا دانستن چيزي مي پذيرد و مطابق آنها عمل مي كند . عامل انضباط دروني است و نوعي آزادي در اين نوع انضباط وجود دارد

۲- انضباط تحمیلی :

عامل انضباط درونی است اما حق انتخاب بسیار کم است ، در حقیقت با نوعی از پیشنهاد مواجه است که چاره ای جز قبول آن ندارد . میان کودک و قواعد و مقررات ارتباط مصنوعی وجود دارد .

۳- انضباط واسطه ای :

ارزش تربیتی این نوع انضباط بیش از دیگر انضباط ها ست . میان
گردن نهادن به قواعد و مقررات و آنچه مورد خواست و میل کودک
است ارتباط “طبیعی” وجود دارد .

۴- انضباط به معنای حفظ نظم و مقررات :

منظور از انضباط در مدرسه ، به وجود آوردن یا حفظ شرایط کلی و نظم و تربیت است و بدون آن هیچ چیزی آموخته نمی شود .

تنبه :

از نظر تجربی یعنی حفظ و شرایط نظم
و ترتیب شرایط همیشگی انضباط است اما
در نظر واژه ای و مفهومی متمایز از
انضباط می باشد .

تنبه دارای سه شرط اساسی است :

۱- مستلزم تحمیل عهده یا نوعی اعمال خشونت است .

۲- به عنوان پیامد نقص قوانین و مقررات بر متخلف تحمیل شود .

۳- تحمیل اعمال خشونت از طرف صاحب اقتدار صورت گیرد .

علل بی انضباطی :

۱- علل روانی :

فرد به دلایل مختلف دست به بی انضباطی می زند . بعضی از تمایلات و نیازهای شخصی برآوردن نمی شود و باعث بی انضباطی می شود . میل به آزادی ، میل به بازی و حرکت ، میل به خودنمایی ، مطالب نفهمیدن درس .

۲- علل جسمانی :

گاهی بی‌انضباطی ناشی از ضعف و ناتوانی جسمی است . کودک ضعیف و ناتوان ، کم‌حوصله و زودرنج است دیرجوش است و زور خسته می‌شود ، قدرت تمرکز ندارد و در نتیجه دست‌به‌بی‌انضباطی می‌زند .

۳- علل اجتماعی :

★ کودکی که در خانواده با خشونت و محدودیت دارد .

★ اختلاف بین پدر و مادر در رفتار کودک تاثیر دارد .

★ نبود محبت در خانواده وجود نامادری و محیط پر از عصبانیت و

نارضایتی

★ هرگونه مقررات و نظم و انضباطي كه با مقتضيات رشد رواني و سني و نيازهاي دانش آموز منطبق نباشد ، فاقد ارزش آموزش و پرورش خواهد بود .

★ انضباطي كه مبتني بر ترس باشد نه تنها قدرت ابتكار ، خلاقيت و علاقه كودك را تضعيف مي كند بلكه به محض از بين رفتن عامل ترس ، كودك را به عصيان و سرکشي وا مي دارد .

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com